



باسمه تعالی

این درس‌نامه ناظر بر بیانیه گام دوم و براساس نیازهای دانش‌آموز تألیف شده است.

فرازی از بیانیه گام دوم در موضوع ظلم‌ستیزی

از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل‌مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

فضولی مثبت (پلاس)

طرح درس ظلم‌ستیزی

سخنی با مربی

ظلم‌ستیزی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتار دینی است که نهادینه شدن آن در فرد، نیاز به طرح صحیح بحث و تفهیم و آموزش هدفمند دارد. آنچه در ادامه خواهد آمد، طرحی برای ارائه این موضوع در کلاس است که دیالوگ‌های مورد نیاز را در اختیار مربی قرار می‌دهد.

بچه‌ها تا به حال به جنگل فکر کرده‌اید که چه نقشی در اکوسیستم طبیعت دارد؟ اصلاً نه، بیایید جهانی را تصور کنیم که کوه دارد، دریا دارد، بیابان هم دارد، اما جنگل ندارد. اصلاً مگر می‌شود؟ مگر داریم؟

من فقط چهار مورد از تأثیرات جنگل بر زندگی انسان را نام می‌برم و مطمئنم شما چهل مورد را از بر هستید.

- ۱- تعدیل آب و هوا ← یعنی با وجود جنگل، جهان از سرمای کُشنده و گرمای عذاب‌آور در امان است.
- ۲- کنترل آب‌های سطحی و تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی ← یعنی بشر آب شیرین برای خوردن دارد.
- ۳- حفظ و تولید خاک ← یعنی انسان خاک برای کشاورزی و تأمین غذایش دارد.
- ۴- تولید دارو ← یعنی بشر برای درمان دردهایش و تهیه ۲۵ درصد از موارد مورد نیاز صنعت داروسازی، مستقیماً به درخت و جنگل احتیاج دارد.

من فکر می‌کنم خیلی از ما این حرف‌ها را شنیده‌ایم، اما فقط شنیده‌ایم، به خاطر همین در همین جنگل زباله می‌ریزیم و یادمان نیست که جنگل چه اهمیتی دارد، در جنگل آتش روشن می‌کنیم و یادمان نیست که جنگل حیف است، دستمال کاغذی زیاد مصرف می‌کنیم و یادمان نیست این دستمال از چوب درخت بی‌نوی جنگل تهیه شده است و ...

حالا باز اشتباهات ما عموماً غیرعمدی است و اگر مدام اهمیت جنگل را تکرار کنیم و به دیگران طریقه حفظ آن را آموزش دهیم، اوضاع بهتر می‌شود. اما اگر کسی به عمد جنگلی را که متعلق به مردم یک شهر و یک کشور و بشر امروز نیست، به تاراج برد، در برابر او تکلیف چیست؟

به این آمار دقت کنید:

آمارهای مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان محیط‌زیست، حاکی از آن است که در هر ثانیه، ۳۵۰ متر مربع جنگل و مرتع در کشور نابود می‌شود.^۱

به نظر شما چه کسی این جنگل‌ها را نابود می‌کند؟ آن پیرمرد نحیفی که قدری هیزم برای گرم کردن کلبه‌اش جمع می‌کند؟ یا آن مسافری که نهایتاً برای تهیه یک جوجه کباب از چوب خشک زیر درخت‌ها قدری برمی‌دارد؟ اشتباه نکنید، حتی همین قدر هم نباید از جنگل به اشتباه برداشت کرد. اما آمار هر ثانیه ۳۵۰ متر مربع نابودی جنگل کار اینها نیست، کار یک عده آدم بی‌مبالاتِ گردن‌گرفتِ زورگو هست که باید روی اسمشان با هم توافق کنیم.

- مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد نامی برای چنین گروهی پیدا و اعلام کنند. روی تخته نام و روبرویش دلیل انتخاب نوشته می‌شود.

نام	دلیل

- اگر در میان پاسخ‌ها عنوان «ظالم» بود، مانور مربی روی این نام بر اساس مباحث سطور بعد خواهد بود. چنانچه نبود، به شیوه زیر، نظر بحث به این بخش کشیده خواهد شد.

حالا که شما نام مورد نظر خودتان را گفتید و دلایل‌تان را هم ذکر کردید، من هم نظرم را می‌گویم:
به نظر من اینها آدم‌های زورگویی هستند که ظالم نامشان است و ظلم، راه و رسمشان.

ویژگی‌های ظالم

- در این بخش باز مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد که در بحث مشارکت کنند و نظرشان را راجع به ویژگی‌های فرد ظالم بیان کنند.

نام دانش‌آموز	ویژگی ظالم

عدم توجه	بعضی از ظالم‌ها شاید قصد ظلم نداشته باشند، اما متوجه نیستند کارشان نوعی ظلم است. مثلاً کسی که مسواک نمی‌زند، به خودش ظلم کرده یا دانش‌آموزی که به وسائل مدرسه یا پارک آسیب می‌رساند، به عموم مردم ظلم کرده است.
غرور و عدم شنیدن حرف حق	ظالم، مغرور و خودپسند است و حرف حق را نه قبول ندارد و نه می‌خواهد بشنود. آدم خواب را می‌شود بیدار کرد، اما آدمی که خودش را به خواب زده، هرکاری هم بکنیم از خواب دروغین خودش بیدار نمی‌شود. روحیه تکبر به او اجازه نمی‌دهد تا در برابر حق تسلیم شود و این‌گونه دنیا و آخرت خویش را تباه می‌کند. (نحل، آیه ۲۹؛ عنکبوت، آیات ۳۹ و ۴۰)
پیمان شکنی	فکر نکنید که این قاچاقچی‌های چوب، به گیر قانون نمی‌افتند، نه، اینها بارها دستگیر شده و تعهد داده‌اند که این کار را نکنند، ولی باز زیر تعهدشان زده‌اند.
عدم باور به خدا	ظالم احساس بندگی نمی‌کند و به قول معروف خدا را بنده نیست و به آخرت اعتقاد ندارد. وقتی آدمی یا گروهی به چنین باوری رسید، طبیعتاً به قواعد انسانی و دینی بی‌اعتنا می‌شود و این احساس رهایی و بی‌قیدی، حتماً به تعدی به حقوق دیگران می‌انجامد.
بی‌صفتی	ظالم به جایی می‌رسد که به هیچ صفت اخلاقی پایبند نیست. قتل و غارت، دزدی و بی‌صفتی و دروغ‌گویی فقط تعداد کمی از ویژگی‌های او است. مثلاً یکی از اهالی روستاهای جنگل تعریف می‌کند که بعد از دستگیری یکی از این چوب‌دزدها، من به عنوان شاهد در دادگاه برای اثبات ادعای جنگلبان‌ها حاضر شدم. متهم علناً در چشم قاضی و من نگاه می‌کرد و می‌گفت: اینها دروغ می‌گویند. ^۲ به همین صراحت و وقاحت!

خداوند متعال در آیات قرآن کریم، هشتاد و یک گروه را ظالم و ستمگر نامیده است. تعدادی از این گروه‌ها عبارتند از:

کفران نعمت‌کنندگان، متجاوزین از حدود الهی، کفار، یاری‌کنندگان ظالمان، خورندگان مال یتیم با زور و کلک، کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، مسخره‌کنندگان و لقب زشت‌دهندگان به مؤمنان، دوستان ستمگران، مرتدان، بدکاران، قاتلان، شهادت‌دهندگان و قسم‌خوردگان دروغ، طردکنندگان مؤمنان، منافقین، درخواست‌کنندگان عذاب الهی، ترک‌کنندگان امر به معروف و نهی از منکر، گمراه‌کنندگان مردم، فسادکنندگان در زمین، گناهکاران، کسانی که افراد نابرابر را با هم برابر می‌کنند، کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، کسانی که حرف باطل می‌زنند، همجنس‌بازان، دزدان، کسانی که مرتکب ترک‌اولی می‌شوند، سنگدلان، کسانی که از هوا و هوس خود پیروی

می‌کنند، کسانی که دل مردم بی‌گناه را می‌سوزانند، تعدی‌کنندگان به حق دیگران، تکبرکنندگان، عالمان بی‌عمل، استفاده‌کنندگان نادرست از نعمت‌های الهی، خیانت‌کنندگان در امانات، دوستان و همشینیان انسان‌های بد.^۳

در مقابل ظالم چه استراتژی داشته باشیم؟

- مربی در این بخش وارد تحلیل فرایند مبارزه با ظالم می‌شود با چاشنی امید و ارائه راه‌حل به شیوه‌ای که در سطور آتی خواهد آمد.

بیباید فکر کنیم که ما ساکن یکی از روستاهای جنگلی شهرهای شمالی هستیم. ببینیم در برابر چنین ظلم و ظالمانی چه باید بکنیم.

- مربی باید در این نقطه بحث، برای همراه کردن بیشتر دانش‌آموز با بحث، مجدداً مکانیزم مشارکت در بحث را برای دانش‌آموزان راه بیندازد و از آنها راهکار بخواهد و روی تخته، مانند جدول پیش‌رو، راهکارها را فهرست کند و بعد نظر خود را ارائه و تحلیل کند.

نام دانش‌آموز	خلاصه راهکار

به نظر من ما در برابر چنین پدیده‌هایی با دو رویکرد یا تصمیم یا حتی سبک زندگی مواجه هستیم:

۱- رویکرد به من چه

افرادی که در این دسته جای می‌گیرند، عموماً کاری به چیزی ندارند و اعتقاد دارند سری را که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند، و سرشان به کار خودشان است.

به من چه خوب محله گرفته و موش از در و دیوار کوچه بالا و پایین میره

به من چه هر روز ساعت سه بعدازظهر مرد خریدارِ وسائلِ اوراقی، بلنگوش رو دست میگیره و با اون صدای نخراشیدش
آسایش مردم رو سلب میکنه

به من چه همسایه کوچه بغلی آشنالاش رو سر کوچه ما میذاره

به من چه بچه‌های محل بعد از بازی فوتبالشون آجرهای تیر دروازه رو از وسط کوچه جمع نمیکنن

به من چه بقالی محله گرون‌فروشی میکنه

به من چه همسایه فقیر داریم که پول نداره بچه مریضش رو ببره دکتر و بچه‌هاش کتاب و دفتر برای تحصیل ندارن

و صدها به من چه دیگه.

آدم‌های «به من چه‌ای» فکر می‌کنند دفاع از مظلوم و زیر بار ظلم نرفتن جایش در کتاب‌ها و شنیدن در مجالس شب قدر،
محرم و هیئت و قصه پیرمردهای باتجربه است. این جور آدم‌ها خیال می‌کنند ظلم‌ستیزی نیاز به جنگ و جبهه و اینها دارد.
آنها باور نمی‌کنند که هر جا حتی به قدر ارزنی ظلم روییده، داس ظلم‌ستیزی جامعه و تک‌تک افراد باید شروع به کار بکند.
افرادی که رویکرد «به من چه» دارند، بی‌تفاوتی سبک زندگی‌شان شده است و مثلاً به جای فکر کردن به جنگل و حق
حیات انسان‌ها و حیوانات و ... نهایتاً به درخت خانه خود فکر می‌کنند.

داستان

داستان «سبت» که در قرآن در آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف آمده، درباره همین گروه از آدم‌های با رویکرد «به من چه»
است. خلاصه‌اش این است که جمعی از بنی‌اسرائیل در ساحل دریای احمر در شهر ایله (به نقلی در زمان حضرت داوود)
زندگی می‌کردند. خداوند خواست آنها را امتحان کند، توسط پیامبرشان به آنها صید ماهی در روز شنبه را حرام اعلام کرد.
آنها به اصطلاح از راه کلاه شرعی وارد شده، حوضچه‌هایی در کنار دریا درست کردند، وقتی ماهی‌ها روزهای شنبه به آن
حوضچه‌ها می‌آمدند، هنگام غروب، سربند آن حوضچه‌ها را می‌بستند، و به این ترتیب ماهی‌های زیادی در آن حوضچه
می‌ماند. بعد در روز یکشنبه و روزهای بعد آنها را صید می‌کردند و می‌گفتند خدا ما را از صید ماهی در روز شنبه نهی کرده،
نه در روزهای بعد.

قرآن در آیه ۱۶۵ سوره اعراف می‌فرماید: «آنها را که ظلم (به خود) کردند و نافرمانی نمودند به عذاب سختی گرفتار کردیم،
ولی آنها را که نهی از منکر می‌نمودند، نجات دادیم».

اما سرنوشت دسته سوم (یعنی آنانکه این فرمان را گوش کردند، ولی سکوت نمودند و نهی از منکر نمی‌کردند) چیست؟

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در بیان سرنوشت جامعه‌ای که در مقابل ظلم بی‌تفاوت است، مثل همین دسته‌ای که
توصیفشان کردیم، می‌فرماید: «مردم آنگاه که ظالم را ببینند و او را باز ندارند، انتظار می‌رود که خداوند همه را به عذاب
خود گرفتار سازد».^۴

امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر که به کردار عده‌ای راضی باشد، مانند کسی است که همراه آنان، آن کار را انجام داده باشد و برای چنین شخصی دو گناه نوشته می‌شود: یکی گناه انجام آن عمل و دیگری گناه رضایت به آن عمل».^۵

۲- رویکرد به من مربوطه

بچه‌ها شاید فکر کنید که افراد این دسته، آدم‌های خیلی خاص یا مؤمن و اینها هستند. نمی‌گوییم نیستند، اما ویژگی برجسته اینها:

بی تفاوت نبودن نسبت به خود، اطرافیان، جامعه، محیط زیست و ... است.

آنها برایشان مهم است که باعزت و شرف زندگی کنند و سرشان مثل مرد بلند باشد، در غیر این صورت زندگی برایشان بی‌ارزش است.

این افراد فقط از خدای خود می‌ترسند و هیچ قدرت و مقام و مسئول و لات و آدمی را آن قدر بزرگ نمی‌بینند که از او بترسند. آنها از روی تحلیل و تفکر، حق و باطل را می‌شناسند و نه از رسانه و تبلیغات و صداها بلند و شایعات و جوسازی‌ها.

آنها با ظالمین سر ستیز دارند.

آنها فقط به خودشان فکر نمی‌کنند و خودشان را از جامعه جدا نمی‌بینند.

داستان کاپیتولاسیون (بی تفاوت نبودن در برابر ظلم)

در مهرماه ۱۳۴۳ قانونی از مجلس شورای ملی گذشت که بر اساس آن به نظامیان آمریکایی مأمور در ایران و وابستگانشان مصونیت سیاسی اعطا می‌شد؛ به طوری که اگر مرتکب هر نوع جرم و جنایتی در ایران می‌شدند، دادگاه‌های ایران حق مجرم دانستن آنها را نداشتند و باید در دادگاه کشور خودشان به جرم آنها رسیدگی می‌شد! امام خمینی که از تصویب کاپیتولاسیون اطلاع یافته بود، ساکت ننشست و تصمیم گرفت این توطئه بزرگ و ننگین را افشا کند. از این رو در حالی که رژیم می‌کوشید با برگزاری پرزرق و برق جشن چهارم آبان ۱۳۴۳ مصادف با چهل و پنجمین سالروز تولد شاه، مسئله کاپیتولاسیون را به فراموشی بسپارد، امام خمینی سخنرانی خود را در همان روز ایراد و در همه جا منتشر نمود. وی این سخنرانی خود را با «انا لله و انا الیه راجعون» شروع کردند و روز قبولی کاپیتولاسیون را روز عزای ملت نامگذاری کردند، دولت و مجلسیان ایران را نوکران آمریکا نامیدند و قدرت‌های شرق و غرب را محکوم کرده و جمله مشهور خود را، یعنی «آمریکا از انگلیس بدتر انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر، لکن امروز سر و کار ما با آمریکا است» ادا کردند. همچنین امام در اعلامیه‌ای تصویب لایحه کاپیتولاسیون را «سند بردگی ملت ایران» و «اقرار رژیم به مستعمره بودن ایران و ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت» نامید و نسبت به سوءاستفاده‌های ناشی از آن هشدار داد. نه روز پس از سخنرانی ایشان، در نیمه شب ۱۳ آبان کماندوها منزل امام را در قم محاصره و ایشان را دستگیر و

شبانہ به تهران منتقل کردند. سپس با یک هواپیمای باری و به همراه دو مأمور امنیتی به ترکیه تبعید کردند. اندکی بعد از کاپیتولاسیون، آمریکایی‌ها مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار برای خرید تسلیحات از آمریکا در اختیار رژیم شاه گذاشتند. محافل سیاسی ایران این وام را پاداش آمریکا به شاه در قبال تصویب کاپیتولاسیون به شمار آوردند.

چرا ظلم‌ستیزی؟

- مربی در این قسمت، به چرایی ضرورت ظلم‌ستیزی می‌پردازد و با اشاره‌ای کوتاه، سراغ شیوه‌های آن می‌رود. متن پیشنهادی زیر برای این بخش ارائه می‌شود.

ظلم و ویروس است، پخش می‌شود

خداوند در آیه ۲۵۱ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند زمین را فساد می‌گیرد».

مربی از دانش‌آموز می‌خواهد چند مثال در مورد جلوگیری نکردن از ظلم و پخش و ویروس ظلم در محله، مدرسه و جامعه بزند.

مثال‌هایی درباره پخش شدن و ویروس ظلم	
عکس‌العمل ما نسبت به گران‌فروش چیست؟	گران‌فروشی
	اختلاس
باعث می‌شود خانواده‌ها کمتر با هم رفت و آمد داشته باشند سن ازدواج بالا برود ...	چشم و هم‌چشمی

سؤال مربی از دانش‌آموز: چه عواملی باعث می‌شود ما در برابر ظلم نایستیم؟

مثال‌هایی درباره پخش شدن ویروس ظلم
ترسیدن
منفعت‌طلبی
راحت‌طلبی
عادت به ظلم
...

شیوه‌های ظلم‌ستیزی

مربی:

در این بخش باز مربی سراغ دانش‌آموزان می‌رود و آنها را با این جمله به مشارکت فرامی‌خواند:
بچه‌ها به این سؤال من جواب بدهید: یک فرد ظلم‌ستیز که در یک روستای شمال کشور زندگی می‌کند و جنگل‌هایش مورد هجوم قاچاقچیان چوب قرار گرفته است، چگونه به مبارزه با این آدم‌های مغرور می‌رود؟

باز در یک جدول در روی تخته این شیوه‌های ظلم‌ستیزی در جدولی مشابه جدول زیر فهرست می‌شود.

نام دانش‌آموز	شیوه پیشنهادی ظلم‌ستیزی

دانش‌آموزان یک‌به‌یک شیوه‌های خود را می‌گویند. شیوه‌ها فهرست و ارائه‌دهندگان آنها توسط مربی تشویق می‌شوند و سپس مربی شیوه‌های کلی مبارزه با ظلم را که در سطور آتی خواهد آمد، برای دانش‌آموزان ارائه و توضیح خواهد داد.

شیوه‌های ظلم‌ستیزی

۱- شناخت ظالم

ببینید بچه‌ها، کسی که قصد دارد در هر زمینه‌ای با ظالمان آن عرصه مبارزه کند، اول باید ظلم را بشناسد. فراموش نکنید که گاهی هر کدام از ما می‌توانیم در زمینه‌ای ظالم باشیم، مثلاً من در برابر همسرم، شما در جمع دوستانان یا در باشگاه و خانه. پس شناخت ظلم در قدم اول باعث می‌شود ما خودمان ظالم نباشیم و در قدم بعدی به ما کمک می‌کند در هر لحظه و زمان و عرصه و مکانی، ظالم آن زمان و عرصه را بشناسیم.

۲- پوشاندن نقاط ضعف

یا مثلاً اگر ما به کمک هم کار کنیم و اقتصاد کشورمان را قوی کنیم، کج‌مان از تحریم امریکا می‌گذرد؟ نه! ما در همین دوره تحریم در موشک‌های دوربرد یا همین بنزین خودکفا شدیم. پس یکی از شیوه‌های مبارزه با ظلم، پوشاندن نقاط ضعف است.

۳- اتحاد و انسجام

یکی از راه‌های سلطه مستکبران بر مردم و به استضعاف کشیدن آنها، ایجاد تفرقه است. نقطه مقابل تفرقه، اتحاد است. پس برای مبارزه با مستکبران باید در جهت مخالف تفرقه گام برداشت و با وحدت و انسجام ضربه مهمی بر آنها وارد کرد.

در قرآن ضمن تأکید بر برادری مؤمنان، بر سازش میان آنها امر شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که مشمول رحمت الهی شوید».

۴- وجود رهبری شایسته

وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه گرد محور او، از ضروریات مبارزه با ظلم است. رهبر صالح و نیروی انسانی دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران است.

نجات از ظلم استعمارگران در دوره پهلوی و نجات از مستعمره‌گری زیرپوستی آن روزها، آیا بدون رهبری امام خمینی امکان‌پذیر بود؟

۵- استقامت و شکیبایی

خدا صبر و ایستادگی را به عنوان یکی از مهارت‌ها و ملزومات مبارزه با ظلم معرفی کرده است. باز به این آیه ۱۳۷ سوره اعراف دقت کنید، فوق‌العاده است: «و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم به‌ضعف‌کشانده‌شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخ‌های مجلل) می‌ساختند، و آنچه از باغ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم».

از همین حرف‌های خداوند با ما هم می‌توانیم دریابیم که خدا جزء ظلم‌ستیزان تاریخ است. برای این موضوع، ماجرای طوفان شن و هواپیماهای آمریکایی در طبس هم قابل توجه است. کسی از شما ماجرای آن را می‌داند؟

- مربی در این قسمت می‌تواند به صورت خلاصه داستان فوق را روایت کند و بحث را به پایان برساند و در انتها از یکی از دانش‌آموزان بخواهد که تمام آنچه را از بحث آموخته است، روایت کند.
خلاصه داستان:

در اردیبهشت ۵۹، پس از آنکه نیروهای آمریکایی در سفارتخانه آمریکا به اتهام جاسوسی دستگیر شدند، آمریکا از هر فرصتی برای آزادی آنها استفاده می‌کرد تا اینکه به این بهانه عملیاتی طراحی کرد تا علاوه بر آزادسازی آنها، به اهداف شوم دیگری نیز دست پیدا کند. در این حمله قرار بود نظامیان آمریکا با هدایت نیروهای تصفیه‌شده ارتش ایران و بر اساس طرحی منسجم و بی‌نقص با هلی‌کوپتری عازم ورزشگاه امجدیه تهران شوند و پس از آزادسازی گروگان‌ها، سایر اهداف خود نظیر بمباران بیت امام در جماران، بمباران مرکز نگهداری مهمات، سپاه مفر ریاست‌جمهوری و ... را نیز اجرا کنند. همه چیز برای یک پیروزی تمام‌عیار مهیا بود. ۹۵ نیروی کماندو آموزش‌دیده با تجهیزات نظامی بسیار قوی در پنجم اردیبهشت ماه سال ۵۹ درست دو هفته بعد از قطع ارتباط یک‌جانبه آمریکا با ایران و تحریم ایران به لحاظ اقتصادی و سیاسی، در شبی آرام و مهتابی، ۱۴ بالگرد و هواپیما در صحرای طبس در حال فرود و مهیای اجرای نقشه‌ای شوم بود که ناگاه توفانی از شن به هوا خاست و دید خلبانان را به حدی ضعیف کرد که دو بالگرد با یکدیگر برخورد کردند و آتشی مهیب در صحرای طبس برپا شد. سه هواپیمای حمل سوخت، سه هواپیما برای حمل نظامیان و هشت بالگرد برای انجام عملیات در درون خاک ما تدارک دیده شده بود، اما به‌ناگاه بالگردها آتش گرفت و...

پایانی با امید

در جامعه‌ای که هنوز شمع امر به معروف و نهی از منکر روشن است و برای کمک به مظلوم می‌شود روی کمک خداوند و حکومت اسلامی حساب کرد، ظلم‌ستیزی می‌تواند در دستور کار ذهن و قلب و مغز ما برای همه لحظات زندگی روزمره و زندگی علمی و سیاسی و حتی دینی‌مان باشد.

- مربی محترم به عنوان اتمام بحث، فیلم‌ها و سریال‌های زیر، روایتی از ظلم‌ستیزی است که می‌توان آنها را به دانش‌آموزان پیشنهاد داد:

۱. فیلم سینمایی یتیم‌خانه ایران؛ ۲. فیلم سینمایی ۲۳ نفر

پی نوشت

۱. خبرگزاری مشرق، «حال ناخوش درختان ایرانی؛ زیان سالانه ۹۰۰ میلیون دلاری قطع درختان جنگلی / هر ثانیه ۳۵۰ متر جنگل در ایران نابود می شود». ۱۳ تیر ۱۳۹۷.

۲. اعتماد آنلاین، «اصل قانون در مورد قاچاق چوب بازدارنده نیست». ۲۰ شهریور ۱۳۹۸.

۳. ظلم در دایره المعارف ویکی فقه <http://wikifeqh.ir>.

۴. نهج الفصاحه، ج ۸۳۳.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴.

۶. سوره حجرات، آیه ۱۰.